



روزی نشست بر پاره‌سنگی  
با انگشتانی گره کرده در زیر چانه‌اش  
و خیره‌نگاهی تا بی‌انتهای

آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید  
و هُرمِ قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست  
و گام در راهی نهاد  
بی‌انتهای

- انسان را می‌گوییم -  
او ناچار رفتن بود و یافتن  
شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه‌ی دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاقِ نیلی چرخ دهد.

تقدیم به شما و همه‌ی آن بایی که  
برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.

سرشناسه: فیلی، علی، ۱۳۶۲- بوذری، پیمان، ۱۳۴۹  
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه راه‌نمایی عربی دوازدهم / نویسندگان: پیمان بوذری  
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۱.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص. ۲۲ × ۲۹ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۳۶-۲  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر

## مجموعه راه‌نمایی عربی سال دوازدهم

مؤلفان: دکتر علی فیلی - دکتر پیمان بوذری

طراح جلد: ایمان خاکسار

ناظر چاپ: سعید حیدری

صفحه‌آرا: فاطمه عموتقی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۵۵۰۰۰ تومان

ناشر: نشر دریافت

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: [www.Daryaftpub.com](http://www.Daryaftpub.com)

پست الکترونیک: [daryaftpub@gmail.com](mailto:daryaftpub@gmail.com)

دارد  
ناشر بزرگد قانونی  
اجازت  
بدون  
مطالب

حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون مجوز ناشر ممنوع است.



## مقدمه مؤلف

### دوستان سلام!

درس عربی از دروس پایه‌ای است که دانش‌آموزان از پایه هفتم تحصیلی با آن آشنا می‌شوند. خیلی از دانش‌آموزان تصور می‌کنند که عربی هم مثل بعضی از دروس خواندنی است و با حفظ کردن و خواندن مطالب کتاب درسی در شب امتحان هم می‌توان نمره کامل گرفت؛ اما واقعاً این‌گونه نیست. به همین علت پیشنهاد ما همیشه به دانش‌آموزان این بوده که برای این درس اهمیتی همانند دروس پایه‌ای مثل ریاضی قائل باشند و به این نکته توجه کنند که در این درس به تمامی نکاتی که از پایه هفتم تا دوازدهم می‌آموزند برای امتحان نهایی نیاز خواهند داشت. به همین علت سعی کردیم در این کتاب یک مرور کلی بر قواعد و اصول ترجمه و تجزیه و ترکیب عربی دهم و یازدهم که در واقع عربی هفتم، هشتم و نهم را نیز در بر می‌گیرد برای یادآوری و یادگیری در ابتدای کتاب بیاوریم. در ادامه نیز در قالب ۴ درس عربی دوازدهم تمامی متن‌های دروس به صورت تحت‌اللفظی و روان ترجمه شده است و به تمامی تمرین کتاب درسی پاسخ و در صورت نیاز توضیح داده شده است. لغات هر درس به همراه مترادف و متضاد و جمع‌های مکثر نیز در هر درس آمده است. در پایان هر درس نیز تمامی سؤالات امتحانات نهایی متناسب با هر درس از سال ۹۸ تاکنون گردآوری شده است و همچنین دو آزمون تألیفی ۲۰ نمره‌ای برای هر درس در نظر گرفته شده است و به تمامی این موارد نیز پاسخ داده شده است. در انتهای کار نیز سه آزمون نهایی عربی دوازدهم که در قالب این ۴ درس نیامده به صورت مستقل آمده است؛ تا هم از تکرار جلوگیری شده باشد و هم محک جدی برای سنجش اطلاعات دانش‌آموزان عزیز باشد. امیدواریم با تألیف این کتاب توانسته باشیم در کسب نمره ۲۰ در این درس مهم کمک شایانی به دانش‌آموزان عزیز و محترم این مرز و بوم کرده باشیم. در پایان بر خود لازم می‌دانیم از نشر دریافت و مدیریت محترم آن دکتر سبطی و تمامی همکاران عزیز و زحمتکش انتشارات بابت چاپ این کتاب تشکر ویژه داشته باشیم.

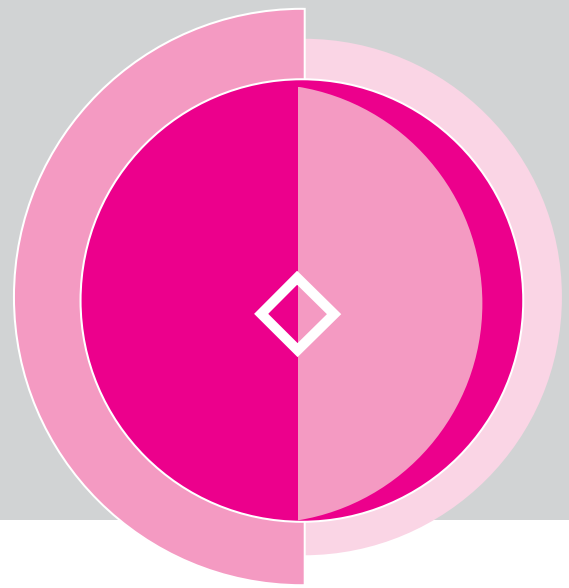
پیروز و موفق باشید

دکتر علی فیلی - دکتر پیمان بوذری

## فهرست

- مروری بر عربی دهم و یازدهم ..... ۵
- درس اول ..... ۳۱
- درس دوم ..... ۵۳
- درس سوم ..... ۷۷
- درس چهارم ..... ۱۰۵
- امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۴۰۱ ..... ۱۳۲
- امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۴۰۰ ..... ۱۳۵
- امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۳۹۹ ..... ۱۳۸
- پاسخنامه تشریحی آزمون‌های شهریور ..... ۱۴۲

## مروری بر عربی دهم و یازدهم



**توجه** اگر به مباحث عربی دهم و یازدهم تسلط دارید از درس اول (صفحه ۳۱) شروع کنید.

قواعد

### انواع کلمه در عربی

#### کلمه در عربی سه نوع است: اسم - فعل - حرف

معرفی سه نوع کلمه:

- الف) اسم:** کلمه‌ای است که برای نامیدن (اشخاص، اشیاء و ...) از آن استفاده می‌شود، مانند: الكتاب، القلم، المدرسة و ...
- ب) فعل:** کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته، حال و یا آینده دلالت دارد؛ مانند: ذَهَبَ (رفت)، یذهبُ (می‌رود)، سیزهَبُ (خواهد رفت)
- ج) حرف:** کلمه‌ای است که به خودی خود مفهوم مستقل و کاملی ندارد، به عبارت دیگر هر کلمه‌ای که نه اسم باشد و نه فعل، حرف محسوب می‌شود؛ مانند: مِن (از)، فِی (در)، إلی (به، به سوی)

#### نشانه‌های شناخت اسم:

- ۱- هر کلمه‌ای که «ال» داشته باشد؛ مانند: المعلم، التلميذ، القلم و ...
- ۲- هر کلمه‌ای که تنوین (ـَ، ـِ، ـُ) داشته باشد؛ مانند: معلمٌ، تلميذًا، قلمٌ و ...
- ۳- هر کلمه‌ای که مضاف (اضافه شده) باشد؛ مانند: معلم المدرسة، کتابه و ...
- ۴- هر کلمه‌ای که آخر آن تاء گرد «ة» باشد؛ مانند: مدرسة، تلميذة و ...
- ۵- هر کلمه‌ای که پس از حروف جر (مِن، إلی، فِی و ...) بیاید؛ مانند: مِنَ المدرسة، إلی البيت و ...

#### اسم از نظر جنس: مذکر - مؤنث

۱. **مذکر:** اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند: محمد، محمود، الديك (خروس)، الثور (گاو نر).
  ۲. **مؤنث:** اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند: خديجة، فاطمة، الدجاجة (مرغ)، البقرة (گاو ماده).
- هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.
  - علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبة، تلميذة، اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب، تلميذ.
  - اسم‌هایی مانند جَزيرة و شَجرة چون علامت «ة» دارند، مؤنث به شمار می‌آیند.

#### اسم از نظر عدد (تعداد): مفرد - مثنی - جمع

۱. **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند؛ مانند: التلميذ، المعلم، المدرسة و ...
۲. **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد:
  - الف) «ان»؛ مانند: طالِبَان، معلِّمَان، معلِّمَتَان.
  - ب) «ین»؛ مانند: طالِبَین، معلِّمَین، معلِّمَتَین.



- ۳. جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و تقسیم می‌شود به:
- (الف)** «جمع مذکر سالم»؛ که با افزودن «وَن» یا «یَن» به انتهای اسم مذکر ساخته می‌شود؛ مانند: معلّم + «وَن» یا «یَن» ← معلّمون، معلّمین.
- (ب)** «جمع مؤنث سالم»؛ که با افزودن «ات» به انتهای اسم مؤنث (البته پس از حذف «ة») ساخته می‌شود؛ مانند: معلّمة + ات ← معلّمات.
- (ج)** «جمع مکسر»؛ یعنی «شکسته» که در آن شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند و به عبارتی در هم می‌شکند؛ مانند: حدیقة ← حدائق؛ مفتاح ← مفاتيح؛ طفل ← أطفال؛ عبّرة ← عبّر.

**نکته** کلمات «أبیات، أصوات، أوقات و أموات» جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم؛ مفرد آن‌ها به ترتیب عبارت است از: «بیت، صوت، وقت، میت».

### اسم اشاره

- به اسمی که به وسیله آن به شخص، حیوان و شیء مورد نظر اشاره می‌کنیم، اسم اشاره گفته می‌شود و عبارت است از:
- «هذا» اسم اشاره برای مفرد مذکر ← هر دو به معنای «این» برای اشاره به نزدیک (قریب)
  - «هذه» اسم اشاره برای مفرد مؤنث ← هر دو به معنای «این‌ها» برای اشاره به نزدیک (قریب)
  - «ذلك» اسم اشاره برای مفرد مذکر ← هر دو به معنای «آن» برای اشاره به دور (بعید)
  - «تلك» اسم اشاره برای مفرد مؤنث ← هر دو به معنای «آن‌ها» برای اشاره به دور (بعید)
  - «هذان» اسم اشاره برای مثنای مذکر ← هر دو به معنای «این دو» برای اشاره به نزدیک (قریب)
  - «هاتان» اسم اشاره برای مثنای مؤنث ← هر دو به معنای «این‌ها» برای اشاره به نزدیک (قریب)
  - «هؤلاء» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث ← «این‌ها» برای اشاره به نزدیک (قریب)
  - «اولئك» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث ← «آن‌ها» برای اشاره به دور (بعید)
- به عبارت دیگر «هذا، هذه، هذان، هاتان و هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک (قریب) و «ذلك، تلك و اولئك» اسم اشاره به دور (بعید) محسوب می‌شوند.

**نکته** به اسم «ال» داری که پس از اسم اشاره و برای توصیف و توضیح آن می‌آید «المُشار إليه» گفته می‌شود؛ مانند:

هذا المعلم - ذلك الكتاب - هؤلاء التلاميذ

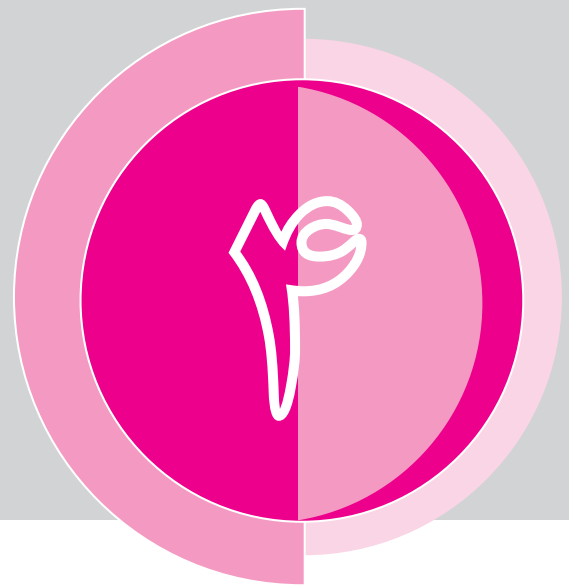
**نکته** برای اشاره به جمع غیر عاقل (غیر انسان) از اسم اشاره مفرد مؤنث «هذه» یا «تلك» استفاده می‌کنیم؛ مانند:

|           |          |           |          |          |
|-----------|----------|-----------|----------|----------|
| هذه       | ؛        | تلك       | ؛        | بيوت     |
| اسم اشاره | جمع مکسر | اسم اشاره | جمع مکسر | جمع مکسر |
| مفرد مؤنث | غیر عاقل | مفرد مؤنث | غیر عاقل | غیر عاقل |

### انواع فعل از نظر زمان

۱. ماضی (ماضٍ): فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: ذهبْتُ: رفتم.
  ۲. مضارع: فعلی است که بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند؛ مانند: أذهبُ: می‌روم.
  ۳. مستقبل (آینده): فعلی است که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با افزودن «س» یا «سوف» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود؛ مانند: سأذهبُ، سوف أذهبُ: خواهم رفت.
- اگر بر سر فعل‌های ماضی یکی از حروف «أتین» یا به عبارتی دیگر همان «أ، ت، ی، ن» بیاید به فعل مضارع تبدیل می‌شود؛ مانند:

ذهبَ ← أذهبُ، تذهبُ، يذهبُ، نذهبُ.



## ○ الدرس الرابع (درس چهارم)

هذا الذي تعرف البطحاء وطأته  
 هذا ابن خير عباد الله كلهم  
 و ليس قولك: من هذا؟ بضائره

و البيث يعرفه و الجل و الحزم  
 هذا التقي النقي الطاهر العلم  
 العرّب تعرف من أنكرت و العجم

این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد. و خانه [خدا] و بیرون و محدودهٔ احرام، او را می‌شناسند. این فرزندِ بهترین همهٔ بندگان خداست. این پرهیزگارِ پاکِ پاکیزهٔ بزرگ قوم است.  
 و این گفتهٔ تو که «این کیست؟» زبان رسانندهٔ بدو نیست. عرب و غیرعرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند.

### ترجمه تحت اللفظی و روان متن

| الفَرزدَق | مِن | شُعراء | العَصْر | الْأُمَوِيّ | وُلِدَ   | فِي | مِنطَقَة | بِالْكُويْتِ | الحَالِيَة | عام | ثلاثيُّو<br>عشرين | بعد   | الهجرة | وعاش        | بالبصرة |
|-----------|-----|--------|---------|-------------|----------|-----|----------|--------------|------------|-----|-------------------|-------|--------|-------------|---------|
| فرزدق     | از  | شاعران | عصر     | اموی است    | متولد شد | در  | منطقه‌ای | در کویت      | کنونی      | سال | بیست و سه         | پس از | هجرت   | و زندگی کرد | در بصره |

فرزدق از شاعران دورهٔ اموی است در منطقه‌ای در کویت کنونی در سال ۲۳ هجری به دنیا آمد و در بصره زیست.

| فِي | يَوْم | مِن | الْأَيَّامِ | جاءَ بِهِ  | أَبُوهُ | إِلَى  | أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ | عَلِيٍّ (ع) | فَسَأَلَهُ     | الإمامَ | عَنْ    | وَلَدِهِ؛ | فَقَالَ |
|-----|-------|-----|-------------|------------|---------|--------|------------------------|-------------|----------------|---------|---------|-----------|---------|
| در  | روزی  | از  | روزها       | آورد او را | پدرش    | به سوی | امیرمؤمنان             | علی (ع)     | پس پرسید از او | امام    | دربارهٔ | فرزندش    | پس گفت: |

در روزی از روزها پدرش او را نزد امیرمؤمنان حضرت علی (ع) آورد؛ امام از او دربارهٔ فرزندش پرسید، پس گفت:

| «هذا | ابني | يَكادُ    | يَكُونُ | شاعراً عظيماً» | فَقَالَ | الإمامَ (ع) | لِوَالِدِهِ: | «عَلَّمَهُ   | الْقُرْآنَ» |
|------|------|-----------|---------|----------------|---------|-------------|--------------|--------------|-------------|
| این  | پسرم | نزدیک است | بشود    | شاعری بزرگ     | پس گفت  | امام        | به پدرش      | بیاورد او را | قرآن        |

این پسرم نزدیک است که شاعری بزرگ شود. پس امام (ع) به پدرش گفت: به او قرآن بیاموز.

| فَعَلَّمَهُ    | الْقُرْآنَ | تَعْلِيماً | ثُمَّ | رَحَلَ | الفَرزدَقُ | إِلَى  | خُلَفَاءِ | بَنِي أُمَيَّةَ | بِالْشَّامِ | وَمَدَحَهُمْ      | وَنَالَ       | جَوَائِزَهُمْ |
|----------------|------------|------------|-------|--------|------------|--------|-----------|-----------------|-------------|-------------------|---------------|---------------|
| پس آموخت او را | قرآن       | آموختنی    | پس    | رفت    | فرزدق      | به سوی | خلفای     | بنی امیه        | در شام      | و مدح کرد آنان را | و به دست آورد | جوایزشان را   |

پس بی گمان به او قرآن را آموخت؛ سپس فرزدق به نزد خلفای بنی امیه در شام رفت و آنان را مدح کرد و جوایزشان را به دست آورد.



|       |          |        |       |           |      |          |         |        |     |       |     |           |         |        |
|-------|----------|--------|-------|-----------|------|----------|---------|--------|-----|-------|-----|-----------|---------|--------|
| وكان  | الفرزدقُ | حاضراً | فقالَ | الفرزدقُ: | «أنا | أعرِفُهُ | معرفةً  | جيدةً» | ثم  | أنشدَ | هذه | القصيدَةَ | إنشاداً | رائعاً |
| و بود | فرزدق    | حاضر   | پس    | فرزدق     | من   | می‌شناسم | شناختنی | خوب    | سپس | سرود  | این | قصیده را  | سرودنی  | زیبا   |

و فرزدق حاضر بود. پس فرزدق گفت: «من او را به خوبی می‌شناسم.» سپس این قصیده را به زیبایی سرود.»

|     |            |          |            |         |        |                |               |               |
|-----|------------|----------|------------|---------|--------|----------------|---------------|---------------|
| هذا | الذّي      | تعرّف    | البطحاء    | وطأته   | والبیت | یعرّفه         | والجلّ        | الحرّم        |
| این | کسی است که | می‌شناسد | سرزمین مکه | قدمگاهش | و خانه | می‌شناسد او را | و بیرون احرام | و منطقه احرام |

این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد و خانه [خدا] و بیرون و منطقه احرام او را می‌شناسد.

|     |      |        |        |      |         |     |          |         |        |          |
|-----|------|--------|--------|------|---------|-----|----------|---------|--------|----------|
| هذا | ابنُ | خیر    | عباد   | الله | كلّهم   | هذا | التّقّي  | التّقّي | الظاهر | العلم    |
| این | پسر  | بهترین | بندگان | خدا  | همه‌شان | این | پرهیزگار | پاک     | پاکیزه | بزرگ قوم |

این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک پاکیزه بزرگ قوم است.

|        |        |      |     |              |        |          |        |          |          |
|--------|--------|------|-----|--------------|--------|----------|--------|----------|----------|
| ولیس   | قولک   | من   | هذا | بصائرہ       | العربُ | تعرّف    | من     | أنكرت    | والعجم   |
| و نیست | سخن تو | کیست | این | زبان رساننده | عرب    | می‌شناسد | کسی که | تو انکار | و غیرعرب |

و این گفته تو که «این کیست؟» زبان رساننده بدو نیست. عرب و غیرعرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسد.

### حَوَلِ النَّصِّ (درباره متن)

اُكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ (براساس متن درس پاسخ کوتاه بنویس.)

۱. كيف كان حُبُّ الفرزدقِ لأهل البيت (ع) عند خُلفاء بني أمية؟ عشق فرزدق به اهل بيت (ع) نزد خلفای بنی امیه چگونه بود؟

كانَ الفرزدقُ يَسْتَرُ حُبَّهُ. (فرزدق دوستی‌اش را پنهان می‌کرد.)

۲. مَنْ جاء بالفرزدقِ إلى أمير المؤمنين (ع)؟ چه کسی فرزدق را نزد امیرمومنان (ع) آورد؟

أبوه (پدرش)

۳. متى جَهَرَ الفرزدقُ بِحُبِّه لأهل البيت (ع)؟ فرزدق چه زمانی علاقه‌اش به اهل بيت را آشکار کرد؟

لما حجَّ هشام بن عبدالمك في أيام أبيه. (هنگامی که هشام بن عبدالمک در روزگار پدرش حج گزارد.)

۴. أين وُلِدَ الفرزدقُ؟ وأين عاش؟ (فرزدق کجا به دنیا آمد؟ و کجا زندگی کرد؟)

وُلِدَ في منطقة بالكويت الحالية و عاش بالبصرة. (در منطقه‌ای در کویت کنونی به دنیا آمد و در بصره زندگی کرد.)

۵. في أيِّ عصرٍ كان الفرزدقِ يَعيشُ؟ (فرزدق در کدام دوره زندگی کرد؟)

في العصر الأمويّ (در عصر اموی)

۶. إلى من رَحَلَ الفرزدقُ بالشّام؟ (فرزدق در شام نزد چه کسی رفت؟)

رحَلَ إلى خُلفاء بني أمية (نزد خلفای بنی امیه رفت.)





## مفعول مطلق

**مصدری هم‌ریشه<sup>۱</sup> با فعل جمله** است و به صورت تأکیدی یا نوعی می‌آید. به این چهار جمله و ترجمه آنها دقت کنید:

۱- إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ: از خداوند آمرزش خواستم.

۲- إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا: از خداوند بی‌گمان آمرزش خواستم.

۳- إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا: از خداوند صادقانه آمرزش خواستم.

۴- إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ: از خداوند مانند درستکاران آمرزش خواستم.

به مصدر «استغفار» در مثال شماره ۲ «مفعول مطلق تأکیدی» گفته می‌شود که در آخر جمله می‌آید و در ترجمه فارسی آن از قیدهای تأکیدی مانند «بی‌گمان»، «حتماً» و «قطعاً» استفاده می‌کنیم.

**مفعول مطلق تأکیدی:** وقوع یک فعل را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ مانند:

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا: بی‌گمان، از خدا آمرزش خواستم.

أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا: حتماً خدا را یاد کنید.

اصْبِرُوا عَلَى الْمَشَاكِلِ صَبْرًا: حتماً در برابر مشکلات صبر کنید.

**مفعول مطلق نوعی:** گاهی مفعول مطلق به کمک کلمه بعد از خودش که صفت یا مضاف‌الیه است، نوع انجام گرفتن فعل را بیان می‌کند؛ مانند «استغفار» در مثال شماره ۳ و ۴ و به آن مفعول مطلق نوعی گفته می‌شود؛ به مثال‌ها توجه کنید:

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا: از خداوند صادقانه آمرزش خواستم.

صفت

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ: از خداوند مانند درستکاران آمرزش خواستم.

مضاف‌الیه

أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا: خدا را بسیار یاد کنید.

صفت

يَعِيشُ الْبَخِيلُ عَيْشَ الْفُقَرَاءِ: خسیس مانند فقیران زندگی می‌کند.

مضاف‌الیه

در ترجمه مفعول مطلق نوعی که مضاف واقع شده است از قید «مانند» استفاده می‌کنیم.

در ترجمه مفعول مطلق نوعی که موصوف واقع شده است می‌توانیم صفت را به صورت قید ترجمه کنیم و نیازی به ترجمه مفعول مطلق نیست؛ مثال:

تَجْتَهُدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا: مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند.

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا: از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

## یادآوری

**مفعول مطلق تأکیدی:** مصدری از ریشه فعل جمله است که بر انجام فعل تأکید می‌کند و تنهاست. (یعنی صفت یا مضاف‌الیه ندارد.)

**مفعول مطلق نوعی:** مصدری از ریشه فعل جمله است که نوع و چگونگی انجام فعل را بیان می‌کند و تنها نیست. (یعنی صفت یا مضاف‌الیه دارد.)

**نکته ۱** صفت مفعول مطلق نوعی می‌تواند علاوه بر صفت مفرد به صورت جمله (جمله وصفیه) نیز بیاید؛ مانند:

هو یتلو القرآن تلاوةً تؤثر في قلبي: او قرآن را به گونه‌ای تلاوت می‌کند، که در قلبم اثر می‌گذارد.

جمله وصفیه

مفعول مطلق نوعی

۱. هم‌ریشه یعنی سه حرف اصلی فعل و مفعول مطلق (مصدر) یکی باشد؛ مثلاً در «استغفرت استغفاراً» ریشه هر دو «غ ف ر» است.



التَّمارين (تمرین ها)

التَّمرين الأول (تمرین اول)

**الف** عَيِّن العِبارة الفارسيَّة القريبة من العِبارة العربيَّة في المعنى. (عبارت فارسی نزدیک به عبارت عربی در معنا را مشخص کن.)

- ۱- لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ. ← (هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر اینکه هر چه را برای خودش دوست می دارد برای دیگران نیز دوست بدارد.)
  - ۲- إِذَا أَنْتَ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ مَلَكَتْهُ وَإِنْ أَنْتَ أَكْرَمْتَ اللَّئِيمَ تَمَرَّدَا. ← (هرگاه تو انسان بزرگی را اکرام کنی او را از آن خود کرده ای و هرگاه انسان فرومایه ای را اکرام کنی سرکشی می کند.)
  - ۳- الْعَاقِلُ يَبْنِي بَيْتَهُ عَلَى الصَّخْرِ وَالْجَاهِلُ يَبْنِيهِ عَلَى الرَّمْلِ. ← (دانا خانه اش را بر روی صخره می سازد و نادان آن را روی شن می سازد.)
  - ۴- إِذْغَى الثَّعْلُبُ شَيْئاً وَطَلَبَ قَيْلَ هَلْ مِنْ شَاهِدٍ قَالَ الذَّنْبُ. ← (روباها چیزی را ادعا کرد و خواست. به او گفته شد آیا شاهدی داری؟ گفت: دُم [من])
  - ۵- مَنْ سَعَى رَعَى وَمَنْ لَزِمَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ. ← (هرکس تلاش کند می رسد [به چیزی که می خواهد] و هرکس بخوابد رؤیا می بیند.)
  - ۶- إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ. ← (هرگاه خدا ناپودی مورچه را بخواهد به او دو بال می دهد.)
  - ۷- مُدِّرْ جَلَّتْ عَلَى قَدْرِ كِسَائِكَ. ← (پایت را به اندازه جامه ات دراز کن.)
  - ۸- عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانَ. ← (هنگام سختی ها، دوستان شناخته می شوند.)
- |  |                           |
|--|---------------------------|
| ۸ دوست آن باشد که گیرد دست دوست                        | در پریشان حالی و درماندگی |
| ۲ چو با سِفله گویی به لطف و خوشی                       | فزون گرددش کبر و گردن کشی |
| ۱ آن شنیدی که حکیمی چه گفت؟                            | مور همان به که نباشد پَرش |
| ۳ به جویی که یک روز بگذشت آب نسازد خردمند ازو جای خواب |                           |
| ۱ هرآن چیز کانت نیابد پسند تن دوست و دشمن بدان در مبد  |                           |
| ۴ ز روهای پی رسیدند احوال ز معروفان گواش بود دنبال     |                           |
| ۵ هرکه زود چَرَد و هر که حُسبَد خواب بیند.             |                           |
| ۷ پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.                     |                           |

التَّمرين الثاني (تمرین دوم)

**ب** عَيِّن اسمَ الفاعل و اسمَ المبالغة و اسمَ التفضيل في الحَدِيثَيْنِ التَّالِيَيْنِ. (اسم فاعل و اسم مبالغه و اسم تفضیل را در دو حدیث زیر مشخص کن.)

- ۱- إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفا فَلِذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضِعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التُّكْبُرَ مِنْ آلَةِ الْجَهْلِ.

کشت در دشت می روید و بر تخته سنگ نمی روید و همچنین حکمت در دل فروتن ماندگار می شود و در دل خود بزرگ بین ستمگر ماندگار نمی شود؛ زیرا خدا فروتنی را ابزار خرد و خودبزرگ بینی را از ابزار نادانی قرار داده است.

- ۲- مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلسانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

پاسخ: اسم فاعل: المتواضع - المتكبر - معلم - مؤدب. اسم مبالغة: الجبار. اسم تفضیل: أحق



ج اكتب المحل الإعرابي لما تحته خط.

السَّهْلُ ← مجرور به حرف جر / الحكمة ← مبتدا / الجَبَّارُ ← صفت / التَّوَّاضُعُ ← مفعول / الجَهْلُ ← مضاف اليه  
نَفْسٌ ← مفعول / للنَّاسِ ← جارو مجرور / نَفْسٍ ← مضاف اليه / مُعَلَّمٌ ← مبتدا / أَحَقُّ ← خبر / الإِجْلَالِ ← مجرور به حرف جر / النَّاسِ ← مضاف اليه.

التَّمرين الثالث (تمرين سوم)

د عین الجواب الصحیح؛ ثمَّ تَرجمه (پاسخ درست را مشخص کن؛ سپس آن را ترجمه کن.)

- |                                     |                                |                                |
|-------------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|
| 1- مضارع تَدَكَّرَ (به یاد آورد):   | يَتَدَكَّرُ ✓ (به یاد می آورد) | يَذَكِّرُ                      |
| 2- مصدر عَلَّمَ (یاد داد):          | عَلَّمَ                        | تَعَلَّمَ ✓ (یاد دادن)         |
| 3- ماضی مُجَالَسَة (همنشینی کردن):  | جَلَسَ                         | جَالَسَ ✓ (همنشینی کرد)        |
| 4- مصدر انْقَطَعَ (بریده شد):       | تَقَطَّعَ                      | انْقَطَعَ ✓ (بریده شدن)        |
| 5- امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد):        | تَقَرَّبْ ✓ (نزدیک شو)         | قَرَّبْ                        |
| 6- مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد):    | يَقْعُدُ                       | يَتَقَاعَدُ ✓ (بازنشست می شود) |
| 7- امر تَمْتَنِعْ (خودداری می کنی): | امْنَعْ                        | امْتَنِعْ ✓ (خودداری کن)       |
| 8- ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می کند): | أَخْرَجَ                       | اسْتَخْرَجَ ✓ (خارج کرد)       |
| 9- وزن اسْتَمَعَ (گوش داد):         | اسْتَمَعَ ✓ (انجام داد)        | اسْتَفْعَلَ                    |
| 10- وزن اسْتَنْظَرَ (انتظار کشید):  | اسْتَنْظَرَ ✓ (انجام داد)      | اسْتَفْعَلَ                    |

التَّمرين الرابع (تمرین چهارم)

ه عین کلمة مناسبة للفرغ. (کلمة مناسبی را برای جای خالی مشخص کن.)

- 1- الحُجَّاجُ ..... مَرَاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأداءِ مَناسِكِ الحَجِّ. (حاجیان چندین بار، دور خانه خدا برای انجام مراسم حج، طواف می کنند.)  
يَطْرُقُونَ ✓ می کوبند      يَطْرُدُونَ می رانند- دور می کنند      يَطْبُخُونَ آشپزی می کنند      يَطُوفُونَ ✓ طواف می کنند
- 2- لولا الشَّرْطِيُّ لاشْتَدَّ ..... أمامَ المَلْعَبِ الرِّياضِيِّ. (اگر پلیس نبود قطعاً شلوغی جلوی ورزشگاه شدت می یافت.)  
الازدحام ✓ شلوغی      الرُّبْدَةُ کره      الرُّبْلُ لغزش      الرُّيْتُ روغن
- 3- ..... كُنْتُ أُمْسِي، رأيتُ حادثاً في ساحةِ المَدِينَةِ. (در حالی که قدم می زدم، حادثه ای را در میدان شهر دیدم.)  
عند ✓ هنگام- نزد      جانباً گوشه      بيئماً ✓ در حالی که      بينَ میان
- 4- رَفَعَتِ الفَائِزَةُ الأُولَى في المَبَارَاةِ ..... إيران. (برنده اول در مسابقه، پرچم ایران را بالا برد.)  
عُشْبٌ ✓ گیاه      عَلِمَ ✓ پرچم      عَرَبِيَّةٌ واگن      عَبَاءَةٌ چادر
- 5- الحَاجُّ ..... الحَجْرَ الأَسْوَدَ بالكعْبَةِ الشَّرِيفَةِ. (حاجی، سنگ سیاه در کعبه با عظمت را لمس کرد.)  
اسْتَعَانَ ✓ یاری خواست      اسْتَمَعَ گوش داد      اسْتَطَاعَ توانست      اسْتَلَمَ ✓ لمس کرد



لغات درس چهارم

الأحبال الصَّوتِيَّة: تارهای صوتی «الأحبال»: جمع الحبل: مفرده»  
 الأحلام: رویاها «مفرد: الحلم»  
 ادَّعى: ادعا کرد  
 إذ جاء: ناگهان آمد  
 استلم الحَجَر: سنگ را مسح کرد  
 أنبت: رویانید  
 أنكر: ناشناخته شمرد  
 البطحاء: دشت مکه  
 بينما: درحالی که  
 التَّقِي: پرهیزگار  
 تمرد: نافرمانی کرد  
 الجاف: خشک  
 الجفاف: خشکی  
 جهز: آشکار کرد  
 الحِل: بیرون احرام  
 الدارجة: عامیانه  
 دب الباندا: خرس پاندا  
 رَحَل: کوچ کرد  
 رعى: چرید  
 رغب فيه: به آن علاقه‌مند شد  
 الرمز: نماد، سمبل «جمع: الرموز»  
 «جمع: الرمز»  
 الرمل: شن  
 الشدائد: سختی‌ها  
 «مفرد: الشديدة»  
 الضائر: زیان رساننده  
 طاف: طواف کرد  
 (مضارع: يطوف)  
 الطيران: پرواز، پرواز کردن  
 العرب: عرب  
 العلم: بزرگ‌تر قوم، پرچم  
 الغلاف: پوشش  
 الكبار: بزرگان  
 (مفرد: الكبير = الضغار)  
 الكساء: جامه  
 مد: دراز کن  
 (ماضی: مد / مضارع: يمد)

مدح: ستود

مواد التَّجمیل: مواد آرایشی  
 نصب: برپا کرد، نصب کرد  
 التَّقِي: پاک و خالص  
 الوطأة: جای پا، گام  
 اللئيم: فرومایه  
 لزيم المنام: خوابید (لزيمه: بدو آویخت و رهایش نکرد + المنام: خواب)

مترادف

الحياة = العيش  
 استطاع = قدر  
 يستطيع = يقدر  
 الطعام = الغذاء  
 مطمئن = واثق  
 الصراع = النزاع  
 الكساء = اللباس، الثوب  
 الحياة = العيش  
 فرح = مسرور  
 سلام = صلح  
 بئبان = بناء  
 أعان = نصر  
 دار = بيت

متضاد

الكبار ≠ الصغار  
 السهولة ≠ الصعوبة  
 إحتفاء ≠ ظهور  
 رخص ≠ غلا  
 نزول ≠ صعود  
 سهر ≠ نام  
 ضاق ≠ اتسع  
 المدح ≠ الذم  
 يصغر ≠ يكبر  
 السلم = النزاع

جمع‌های مکسر و مفرد آنها

شعراء ← شاعر  
 خلفاء ← خلیفه  
 جوائز ← جائزه  
 أمراء ← امیر  
 أعظم ← اعظم  
 أحلام ← حلم  
 شدائد ← شديده  
 عواصم ← عاصمة  
 رموز ← رمز  
 مواد ← ماده  
 أحبال ← حبل



**الف** ترجم الكلمات التي تحتها خطاً:

- ١- العَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ. (فردار ١٣٠٥ و دى ٩٨)  
 ٢- رَحَلَ الْفَرَزْدَقُ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ. (دى ١٣٠٥)  
 ٣- إِنَّهُ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ الشَّامِ. (دى ٩٩)  
 ٤- هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَ طَائِفَةُ. (فردار ١٣٠٥ و فردار ٩٨)  
 ٥- خَافَ هِشَامٌ أَنْ يَرْعَبُوا فِيهِ. (شهر يور ٩٨)  
 ٦- لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْإِنْسَانِ الْجَبَّارِ. (شهر يور ٩٨)

**ب** عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُتَضَادَّ.

- ٧- (الحياة / الجهل / العيش / المدح / الصبر / الذم) (فردار ١٣٠٥)  
 الف) ..... = .....  
 ب) ..... ≠ .....  
 ٨- (يَصْغُرُ / يَذْكُرُ / يَقْدِرُ / يَكْبُرُ / يَسْتَطِيعُ / يَضْحَكُ) (دى ١٣٠٥)  
 الف) ..... = .....  
 ب) ..... ≠ .....  
 ٩- (اختفاء - واثق - ظهور - سهولة - مطمئن - جبل) (دى ٩٩)  
 الف) ..... = .....  
 ب) ..... ≠ .....  
 ١٠- (الكبار - السدى - الغصور - الصراع - الغفار - النزاع) (فردار ٩٨)  
 الف) ..... = .....  
 ب) ..... ≠ .....

**ج** عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:

- ١١- الف) الكساء (ب) الثوب (ج) اللباس (د) الثراب (دى ٩٩)

**د** اكتب جمع الكلمة:

- ١٢- الفقير: ..... (فردار ١٣٠٥)

**هـ** ترجم الآيات و العبارات و الأشعار إلى الفارسية:

- ١٣- كَانَ يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى النَّاسِ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ. (فردار ١٣٠٥)  
 ١٤- كَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِرًا فَأَنْشَدَ قَصِيدَةً فِي مَدْحِ الْإِمَامِ (ع) (فردار ١٣٠٥)  
 ١٥- طَافَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعَاظِمِ. (فردار ١٣٠٥)  
 ١٦- الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ. (دى ١٣٠٥)  
 ١٧- فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ بِهِ أَبُوهُ إِلَى عَلِيٍّ (ع). (دى ١٣٠٥)  
 ١٨- لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجْرِ ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا فَاسْتَلَمَهُ اسْتِلامًا سَهْلًا. (دى ١٣٠٥ و فردار ١٣٠٥)  
 ١٩- الْفَرَزْدَقُ وُلِدَ فِي مَنطِقَةِ الْكُوَيْتِ الْحَالِيَةِ وَ عَاشَ بِالْبَصْرَةِ. (دى ١٣٠٥)  
 ٢٠- خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَهُ أَهْلُ الشَّامِ وَيَرْعَبُوا فِيهِ رَغْبَةً الْمُجِيبِينَ. (فردار ٩٨)



## «آزمون تألیفی (۱)»

|        |  |
|--------|--|
| (۱)    | ۱. ترجمه کلمات التي تحتها خطاً:<br>الف) هذا ابني يكاد يكون شاعراً عظيماً.<br>ج) ليس قولك من هذا بضائره.<br>ب) مدحهم ونال جوائزهم.<br>د) إن الزرع ينبت في السهل.  |
| (۰/۵)  | ۲. عین المترادف و المتضاد: (أعان - ضاق - رخص - سهز - اتسع - نصز)<br>الف) ..... = .....<br>ب) ..... ≠ .....   |
| (۰/۲۵) | ۳. عین الكلمه الغریبه:<br>الف) استطاع<br>ج) ادعى<br>ب) استلم<br>د) اختفاء  |
| (۰/۲۵) | ۴. اكتب جمع الكلمة التي تحتها خطاً:<br>«مُدَّ رَجْلِكَ عَلَى قَدَرِ كِسَانِكَ.»  |
| (۰/۷۵) | ۵. ترجم الآيات و العبارات و الأشعار إلى الفارسیة:<br>الف) «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»<br>ب) «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا»<br>ج) وُلِدَ فِي مَنطِقَةِ الْكُوَيْتِ الْحَالِيَةِ عَامَ ثَلَاثَةِ وَعِشْرِينَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ.<br>د) كَانَ الْفَرَزْدَقُ مُجِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع) وَ كَانَ يَسْتَرْحُبُهُ.<br>هـ) طَافَ بِالْبَيْتِ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجْرِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ.<br>و) أَنَا أَعْرِفُهُ مَعْرِفَةً جَيِّدَةً؛ ثُمَّ أَنَسَدَ الْقَصِيدَةَ إِشَادًا رَائِعًا.<br>ز) لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ.<br>ح) هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَ طَاتَهُ وَ الْبَيْتَ يَعْرِفُهُ وَ الْجِلَّ وَ الْحَرَمَ<br>ط) إِذَا أَنْتَ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ مَلَكَتَهُ وَ إِنْ أَنْتَ أَكْرَمْتَ اللَّئِيمَ تَمَرَّدَا<br>ي) ادَّعَى التَّعَلُّبُ شَيْئًا وَ طَلَبَ قِيلَ هَلْ مِنْ شَاهِدٍ قَالَ الدَّنْبَ<br>ك) الْخُفَاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ. |
| (۱)    | ۶. انتخاب التَّرجمة الصحيحة:<br>الف) قَالَ الْإِمَامُ: عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ.<br>۱- امام فرمود: قرآن را به او آموختی؟<br>ب) الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ.<br>۱- عرب و غیر عرب کسی را که تو انکار می کنی می شناسند.<br>ج) لَوْلَا الشَّرْطِيُّ لَأَشْتَدَّ الْإِزْدِحَامُ.<br>۱- اگر پلیس نبود قطعاً شلوغی زیاد می شد.<br>۲- امام گفت: قرآن را به وی بیاموز.<br>۲- عرب و عجم کسی را که تو انکار کردی می شناسند.<br>۲- اگر پلیس بود قطعاً شلوغی زیاد نمی شد.   |



|        |   |
|--------|---|
|        | <p>د) تَلَفَّظَ بعض الحُرُوفِ موجوداً في اللّهجات العربيّة الدّارجة.</p> <p>١- تَلَفَّظَ برخی حروف در لهجه‌های عربی عامیانه، موجود است.</p> <p>٢- تَلَفَّظَ بعضی حروف در لهجه‌های عربی رسمی، وجود دارد.</p>   |
| (١/٥)  | <p><b>٧. كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ:</b></p> <p>الف) يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطَبَةِ.      خودش را هنگام ..... در ..... از مواد مخاطبی پنهان می‌کند.</p> <p>ب) رَفَعَتِ الْفَائِزَةَ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلَّمَ إِيْرَان.      ..... اوّل در ..... پرچم ایران را بالا برد.</p> <p>ج) الزَّرَافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ.      زرافه ..... است، ..... صوتی ندارد.</p>                           |
| (٢)    | <p><b>٨. عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيْحَ ثَمَّ تَرْجِمِهِ:</b></p> <p>الف) مضارع «تَدَكَّرَ» (به یاد آورد):      يَتَدَكَّرُ      يَدَكَّرُ      يَدْكُرُ      ترجمه: .....</p> <p>ب) امر «تَمْتَنِعْ» (خودداری می‌کنی):      اِمْتَنِعْ      مانع      اِمْتَنِعْ      ترجمه: .....</p> <p>ج) مصدر «عَلَّمَ» (یاد داد):      عَلَّمَ      تعلیم      تَعَلَّمَ      ترجمه: .....</p> <p>د) ماضی «مُجَالَسَةٌ» (هم‌نشینی کردن):      جَلَسَ      أَجْلَسَ      جَالَسَ      ترجمه: .....</p> |
| (١/٧٥) | <p><b>٩. مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: ١- الْفَاعِلُ ٢- الْمَفْعُولُ ٣- الصِّفَةُ ٤- الْمِضَافُ إِلَيْهِ ٥- الْمَبْتَدَأُ ٦- الْخَبَرُ ٧- الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ</b></p> <p>«يَدْفِنُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطَّيْنِ ثَمَّ يَنَامُ كَثِيْرًا. هُوَ نَوْعٌ مِنَ السَّمَكِ»</p>   |
| (١/٥)  | <p><b>١٠. عَيِّنِ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ: ١- اسْمُ الْفَاعِلِ ٢- اسْمُ الْمَفْعُولِ ٣- اسْمُ التَّفْضِيْلِ ٤- اسْمُ الْمَبَالِغَةِ ٥- اسْمُ الْمَكَانِ ٦- اسْمُ الْعِلْمِ</b></p> <p>«الْحِكْمَةُ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ- لَوْلَا الشَّرْطِيُّ لَا شَتَدَّ الْإِزْدِحَامُ أَمَامَ الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ- حَجَمَ دُبُّ الْبَانِدَا عِنْدَ الْوِلَادَةِ أَضْعُرُ مِنَ الْفَأْرِ- الْفَرَزْدَقُ مَوْلِدُ الْكُوَيْتِ»</p>   |
| (١)    | <p><b>١١. مَيِّزِ الْمَفْعُولَ الْمَطْلُوقَ وَادْكُرْ نَوْعَهُ:</b></p> <p>الف) عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ تَعْلِيْمًا.</p> <p>ب) جَلَسَ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأَمْرَاءِ.</p>   |
| (١)    | <p><b>١٢. مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: ١- الْمَفْعُولَ الْمَطْلُوقَ ٢- الْحَالُ ٣- الْمَسْتَثْنَى ٤- الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ</b></p> <p>«أَنْشَدَ هَذِهِ الْقَصِيْدَةَ إِنْشَادًا رَائِعًا- لَا تَقَلُّ كَلَامًا إِلَّا الْحَقُّ أَبَدًا- فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيَّيْنِ مُبَشِّرِيْنَ- عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانَ»</p>  |
| (٥/٥)  | <p><b>١٣. عَيِّنِ الصَّحِيْحَ فِي التَّحْلِيْلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:</b></p> <p>الف) «الْفَائِزَةُ الْأُولَى رَفَعَتْ عَلَّمَ إِيْرَان»</p> <p>الف) رَفَعَتْ:      ١- فِعْلٌ مَاضٍ- مَجْهُولٌ / فَاعِلٌ      ٢- فِعْلٌ مَاضٍ- مَعْلُومٌ / خَبَرٌ</p> <p>ب) الْفَائِزَةُ:      ١- اسْمٌ- مَفْرَدٌ- مُؤنَّثٌ / مَبْتَدَأٌ      ٢- اسْمٌ فَاعِلٌ- مَفْرَدٌ- مُؤنَّثٌ / فَاعِلٌ</p>   |



## پاسخنامه تشریحی سؤالات امتحانات نهایی

الف

- ۱- انکار کردی  
۲- رفت، کوچ کرد  
۳- بزرگان  
۴- گام  
۵- علاقه‌مند شوند  
۶- ستمگر

ب

- ۷- الف (الحیة = العیش) ب (المَدح ≠ الذَّم)  
۸- الف (یقدر = یستطیع) ب (یصغُر ≠ یكبُر)  
۹- الف (مطمئن = واثق) ب (اختفاء ≠ ظُهور)  
۱۰- الف (الصُّراع = التَّزاع) ب (الصُّغار ≠ الکِبَار)

ج

- ۱۱- الف) لباس، پوشش ب) لباس  
ج) لباس د) خاک ✓

د

۱۲- الفُقراء

هـ

- ۱۳- هشام به مردم نگاه می‌کرد و گروهی همراه او بودند.  
۱۴- فرزندق حاضر بود و شعری در مدح امام (ع) سرود.  
۱۵- حضرت زین العابدین (ع) همچون بزرگان خانه [کعبه] را طواف کرد.  
۱۶- عرب و غیرعرب کسی را که توانکار کردی می‌شناسند.  
۱۷- در روزی از روزها پدرش او را نزد علی (ع) آورد.  
۱۸- هنگامی که به سنگ [حجرالاسود] رسید مردم به کناری رفتند و او آن [سنگ] را به آسانی لمس کرد.  
۱۹- فرزندق در منطقه‌ای از کویت امروزی متولد شد و در بصره زندگی کرد.  
۲۰- هشام از اینکه اهل شام او را بشناسند و همچون دوستداران به او علاقه‌مند شوند ترسید.  
۲۱- این شخصی که مردم به او اجازه لمس سنگ [حجرالاسود] را داده‌اند کیست؟  
۲۲- قرآن را به خوبی به او یاد داد و فرزندق نزد خلفای بنی امیه در شام رفت.

۲۳- این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک پاکیزه بزرگ قوم است.

۲۴- و این گفته تو که «این کیست؟» زبان رساننده بدو نیست.

۲۵- و این گفته تو که «این کیست؟» زبان رساننده بدو نیست عرب و غیرعرب کسی را که توانکار کردی می‌شناسند.

۲۶- مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند.

۲۷- فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند.

۲۸- نهنگ برای خارج کردن روغن از جگرش برای ساخت مواد آرایشی شکار می‌شود.

۲۹- مردی گفت: این شخصی که مردم به او اجازه لمس سنگ [حجرالاسود] را داده‌اند کیست؟

۳۰- شکار چیان آفریقایی خاک خشک را برای شکار ماهی، می‌کنند.

۳۱- هشام به مردم نگاه می‌کرد و گروهی از بزرگان اهل شام همراهش بودند.

۳۲- تعداد مورچه‌ها در جهان تقریباً یک میلیون برابر تعداد انسان‌ها است.

۳۳- ای خلیفه! این کسی که مردم به او اجازه لمس سنگ [حجرالاسود] را داده‌اند کیست؟

۳۴- مغول‌ها توانستند با وجود ساخت دیواری بلند دور چین به آن حمله کنند.

۳۵- نوعی از ماهی [ها] خودش را زیر گل، دفن می‌کند.

۳۶- این ماهی بیشتر از یک سال به طور عمیق می‌خوابد.

۳۷- زرافه لال است و تارهای صوتی ندارد.

و

۳۸- (۲). ترجمه «السَّهْل» و «الصَّفا» به ترتیب به صورت «دشت» و «تخته سنگ» صحیح است.

۳۹- (۲). «جاءَ بِ» به معنای «آورد» است.

۴۰- (۱). در ترجمه مفعول مطلق نوعی که پس از آن مضاف الیه آمده باشد از کلماتی نظیر «مانند» استفاده می‌کنیم.

۴۱- (۲). ترکیب «کان» + فعل مضارع (یَسْتُرُ) باید به صورت ماضی استمراری (پنهان می‌کرد) ترجمه شود.

۴۲- (۱). در ترجمه مفعول مطلق نوعی که پس از آن صفت آمده باشد، صفت به صورت قید (به زیبایی) ترجمه می‌شود.

۴۳- (۱). «أذکروا» فعل امر است و به صورت «یاد کنید» ترجمه می‌شود.





ترجمه متن اول:

«نوعی ماهی در آفریقا یافت می‌شود که خودش را در پوششی از موادّ مخاطی که از دهانش خارج می‌شود پنهان می‌کند و خودش را زیر گِل دفن می‌کند سپس به طور عمیق بیش از یک سال می‌خوابد.»

۱۵۴- ماهی خودش را کجا پنهان می‌کند؟ یَسْتَرُ نَفْسَهُ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخاطِيَّةِ (خودش را در پوششی از موادّ مخاطی پنهان می‌کند).

۱۵۵- چه مدّتی ماهی می‌خوابد؟ يَنَامُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. (بیش از یک سال می‌خوابد.)

نمی‌شود.». «هشام، طواف کرد و هنگامی که به سنگ [حجرالاسود] رسید به علّت زیادی جمعیت نتوانست آن را لمس کند پس برای او منبری برپا شد و بر روی آن نشست.»

۱۶۰- آیا حکمت در قلب خودبزرگ‌بین ماندگار می‌شود؟ لا. لا تَعْمُرُ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ. (نه، حکمت در قلب خود بزرگ‌بین ماندگار نمی‌شود.)

۱۶۱- چه چیزی برای هشام برپا شد، نُصِبَ لَهُ شَامٌ مِنْبَرٌ (برای هشام منبری برپا شد.)

۱۶۲- چرا هشام نتوانست سنگ را لمس کند؟ لِكثْرَةِ الْإِذْحَامِ (به علّت شلوغی جمعیت)

۱۶۳- کشت در کجا می‌روید؟ إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُثُ فِي السَّهْلِ. (همانا کشت در دشت می‌روید.)

ترجمه متن دوم:

«فرزدق از شاعران عصر اموی و دوستدار اهل بیت (ع) بود. و دوستی اش را نزد خلفای بنی امیه پنهان می‌کرد ولی آن را هنگامی که هشام بن عبدالملک در روزگار پدرش به حج رفت آشکار کرد.»

۱۵۶- چه زمانی فرزدق دوستی اش به اهل بیت را آشکار کرد؟ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أُبَيِّهِ. (هنگامی که هشام بن عبدالملک در روزگار پدرش به حج رفت.)

۱۵۷- فرزدق که بود؟ كانَ الْفَرَزْدَقُ مِنَ شِعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ (فرزدق از شاعران دوره اموی بود.)

پاسخنامه تشریحی آزمون تألیفی (۱)

۱- الف) نزدیک است (ب) دست یافت  
ج) ضرر رساننده (د) دشت

۲- الف) (أَعَانَ = نَصَرَ) ب: (ضَاقَ ≠ اتَّسَعَ)

۳- الف) توانست (ب) لمس کرد  
ج) ادّعا کرد (د) پنهان شدن ✓  
علّت: در سه مورد اول فعل ماضی آمده در حالی که در مورد چهارم، اسم (مصدر) آمده است.

۴- رَجُلٌ ← أَرْجُلٌ

۵- الف) قطعاً ما تورا آشکارا پیروز گردانیم.  
ب) خداوند با موسی (ع) قطعاً سخن گفت.  
ج) در منطقه‌ای از کویت کنونی سال بیست و سه پس از هجرت به دنیا آمد.  
د) فرزدق دوستدار اهل بیت (ع) بود و دوستی اش را پنهان می‌کرد.  
ه) خانه [کعبه] را طواف کرد و هنگامی که به سنگ [حجرالاسود] رسید نتوانست به خاطر شلوغی جمعیت آن را لمس کند.

ترجمه متن چهارم:

«کشت در دشت می‌روید و در سنگ نمی‌روید و همچنین حکمت در دل فروتن ماندگار می‌شود و در دل خود بزرگ‌بین ستمگر ماندگار



۱۲- مفعول مطلق: إنشاداً / حال: مُبَشِّرِينَ / مستثنی: الحقّ / فعل مجهول: يُعْرَفُ

۱۳- الف) (۲). تجزیه و ترکیب «رَفَعْتُ» به صورت (فعل ماضی - معلوم / خبر) صحیح است.  
ب) (۱). تجزیه و ترکیب «الفائِزة» به صورت (اسم - مفرد - مؤنث / مبتدا) صحیح است.

### پاسخنامه تشریحی آزمون تألیفی (۲)

۱- الف) آشکار کرد (ب) بزرگان  
ج) فرومایه، پست (د) شلوغی

۲- الف: (بُنیان = بناء) ب: (اِحْتِفَاءٌ ≠ ظُهُور)

۳- الف) رؤیایها (ب) تارها  
ج) پرواز (د) سختی‌ها  
علت: «پرواز» مفرد است و سه مورد دیگر جمع هستند.

۴- الذَّنْبُ ← الأذْنَاب

۵- الف) قطعاً ما قرآن را بر تو نازل کردیم.

ب) خدا را بسیار یاد کنید.  
ج) در روزی از روزها پدرش او را نزد امیر مؤمنان علی (ع) آورد.  
د) پدر فرزندق گفت: این پسرم نزدیک است که شاعری بزرگ شود.  
ه) فرزندق خلفای بنی امیه را مدح کرد و به جوایزشان دست یافت.  
و) برای او منبری برپا شد و بر روی آن همانند پادشاهان نشست.  
ز) عاقل خانه‌اش را بر روی صخره می‌سازد و نادان آن را بر روی شن می‌سازد.  
ح) این پسر بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک‌پاکیزه بزرگ قوم است.  
ط) و سخن تو «این کیست؟» به او زیان نمی‌رساند. عرب و غیرعرب، کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند.

و) من او را به خوبی می‌شناسم؛ سپس قصیده را به زیبایی سرود.  
ز) هیچ‌یک از شما ایمان ندارد مگر اینکه آنچه را برای خودش دوست می‌دارد برای برادرش نیز دوست بدارد.  
ح) این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد و منطقه بیرون احرام و محدوده احرام او را می‌شناسد.  
ط) هرگاه انسان بزرگواری را اکرام کنی، صاحب اختیار او می‌شوی و هرگاه انسان پستی را اکرام کنی سرکشی می‌کند.  
ی) روباه چیزی را ادعا کرد و خواست؛ به او گفته شد: شاهدی داری؟  
گفت: دُم (دُمَم).  
ك) خفّاش تنها حیوان پستانداری است که می‌تواند پرواز کند.

۶- الف) (۲). «عَلِمْتُ» فعل امر است و به صورت «بیاموز» ترجمه می‌شود.  
ب) (۲). «أَنْكَرْتُ» فعل ماضی است و به صورت «انکار کردی» ترجمه می‌شود.  
ج) (۱). «لَوْلَا» به معنای «اگر نه، اگر نبود» است و بر سر «الشَّرْطِيّ» آمده است. پس به صورت «اگر پلیس نبود» ترجمه می‌شود.  
د) (۱). «الذَّارِجَةُ» به معنای «عامیانه» است.

۷- الف) خشکی - پوششی (ب) برنده - مسابقه  
ج) لال - تارهای

۸- الف) يَتَذَكَّرُ (به یاد می‌آورد) ب) اِمْتِنِعْ (خودداری کن)  
ج) تَعْلِيمِ (یاد دادن) د) جَالَسَ (هم‌نشینی کرد)

۹- فاعل: السَّمَكُ / مفعول: نَفْسُ / صفت: المَدْفُونُ / مضاف‌الیه: الطَّيْنُ / مبتداً: هو / خبر: نوعٌ / جار و مجرور: مِنَ السَّمَكِ

۱۰- اسم فاعل: الْمُتَكَبِّرُ / اسم مفعول: مَوْلُودُ / اسم تفضیل: أَصْغَرُ / اسم مبالغة: الْجَبَّارُ / اسم مکان: الْمَلْعَبُ / اسم علم: الفرزدق

۱۱- الف) تعلیماً (تأکیداً) (ب) جُلُوسَ (نوعی)



| پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه  |  | سؤالات امتحان درس: عربی، زبان قرآن ۳  |  | تعداد صفحه: ۳       | مدت امتحان: ۸۰ دقیقه |
|---|--|---|--|---------------------|----------------------|
| رشته: ریاضی فیزیک- علوم تجربی   |  | تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۶/۸  |  | نام و نام خانوادگی: |                      |
| دانش‌آموزان روزانه بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت شهریور ماه ۱۴۰۱ |  | مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی<br>http://aee.medu.ir   |  |                     |                      |
| ردیف  | دانش‌آموزان عزیز، لطفاً با دقت سؤالات را بخوانید و با آرامش و با خط خوانا به آنها پاسخ دهید. |   |  |                     |                      |
| الف   | ۱  | <p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا حُطٌّ:</p> <p>(۱) هَاتَانِ الْبِنْتَانِ قَامَتَا بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ.</p> <p>(۲) فَالْتَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكُتُبِ.</p> <p>(۳) خَافَ هَشَامٌ مِنْ أَنْ يَرْعَبُوا فِيهِ.</p> <p>(۴) يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.</p>   |  |                     |                      |
| ب   | ۵/۰  | <p>عَيِّنِ الْمُتْرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ: (الْخَيْرِ / الْعُضْبِ / السُّوءِ / الْمَفْسَدَةِ / الصَّدِيقِ)</p> <p>(۵) ..... = .....<br/>(۶) ..... ≠ .....</p>  |  |                     |                      |
| ج   | ۵/۰  | <p>عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:</p> <p>(۷) الفِضَّةُ (۱) الحَدِيدُ (۲) الطَّيْنَةُ (۳) التُّحَاسُ (۴)</p> <p>(۸) أَكْتُبْ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ: «الْكِبَارِ»</p>   |  |                     |                      |
| د   | ۵/۰  | <p>تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>(۹) ﴿كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾</p> <p>(۱۰) وَ عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ تَبْلُعُهَا حَيَّةٌ.</p> <p>(۱۱) اسْتَلَمَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) الْحَجَرَ اسْتِثْلَامًا سَهْلًا.</p> <p>(۱۲) الْكِتَابُ الَّذِي تَصَفَّحْتُهُ أَثَّرَ فِي نَفْسِي تَأْثِيرًا.</p> <p>(۱۳) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ ..... لَا بَرَكَةَ فِيهِ.</p> <p>(۱۴) إِذَا كَانَ لَكَ فِكْرٌ قَادِرٌ تَسْتَطِيعُ بِهِ أَنْ تَفْهَمَ مَا تَقْرَأُ.</p> <p>(۱۵) رَحَلَ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ وَ مَدَحَهُمْ وَ نَالَ جَوَائِزَهُمْ.</p> <p>(۱۶) هُنَاكَ طَائِرٌ يَبْنِي عَشَّهُ فَوْقَ قِمَّةٍ بَعِيدًا عَنِ الْحَيَوَانَاتِ.</p> <p>(۱۷) مَا اسْتَطَاعَتِ الْأُمُّ صُعُودَ الْجَبَلِ لِأَنَّ رِجْلَهَا تَوَلَّمُهَا.</p> <p>(۱۸) أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.</p> <p>(۱۹) حِينَ يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَنْظَاهِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.</p> |  |                     |                      |
| هـ  | ۵/۰  | <p>إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ:</p> <p>(۲۰) ﴿لَا يَحِزُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾</p> <p>(۱) گفتارشان نباید تو را غمگین کند، زیرا ارجمندی‌ها همه از آن خداست.</p> <p>(۲) گفتارشان تو را غمگین نمی‌کند، زیرا ارجمندی برای خداست.</p> <p>(۲۱) تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ.</p> <p>(۱) پی در پی قطره‌های آب از دهانش به هوا می‌شود.</p> <p>(۲) پی در پی قطره‌های آب را از دهانش به هوا می‌کند.</p>  |  |                     |                      |



| پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه  |  | سوالات امتحان درس: عربی، زبان قرآن ۳                |  | تعداد صفحه: ۳       | مدت امتحان: ۸۰ دقیقه |
|---|--|---|--|---------------------|----------------------|
| رشته: ریاضی فیزیک- علوم تجربی   |  | تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۶/۸                              |  | نام و نام خانوادگی: |                      |
| دانش‌آموزان روزانه بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت شهریور ماه ۱۴۰۱ |  | مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی<br>http://aee.medu.ir |  |                     |                      |
| ردیف  | دانش‌آموزان عزیز، لطفاً با دقت سوالات را بخوانید و با آرامش و با خط خوانا به آنها پاسخ دهید.   |   |  |                     |                      |
|   | <p>(۲۲) ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ﴾</p> <p>۱) زندگی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است.</p> <p>۲) زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی نیست.</p>   |   |  |                     |                      |
| ۹   | <p>كَمَلِ الْفَرَاحَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>(۲۳) فَتَّصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأَمْرَاءِ.</p> <p>منبری برایش ..... و بر روی آن ..... پادشاهان نشست.</p> <p>(۲۴) مَا أَرْسَلْتُ أَسْرَثَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دِرَاسَتِهِ.</p> <p>خانواده‌اش او را برای تکمیل ..... شش به قاهره ..... .</p>   |   |  |                     |                      |
| ۲   | <p>ز</p> <p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطٌّ:</p> <p>(۲۵) اسْتَعَانَ: یاری جست</p> <p>(۱) ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾</p> <p>(۲۶) رَخَّصَ: ارزان شد</p> <p>(۱) الْأَدَبُ لَنْ يَرُخَّصَ إِذَا كَثُرَ.</p> <p>(۲۷) صَلَّحَ: تعمیر کرد</p> <p>(۲) أَنَا فِي مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ الْحَافِلَاتِ.</p> <p>(۲) هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جِرَارَتَهُ.</p> <p>(۳) كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ.</p> <p>(۲) .. إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿</p> <p>(۳) لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ.</p> <p>(۲) أَسْعَاؤُ الْبِضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رُخِّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.</p>          |   |  |                     |                      |
| ۱/۲۵  | <p>ح</p> <p>مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ:</p> <p>(۲۸) الْحَالِ</p> <p>(۲۹) الْمُسْتَثْنَى</p> <p>(۳۰) الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ</p> <p>(۳۱) الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ</p> <p>(۳۲) نَوْعُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ</p> <p>المَعْوَلُ هَجَمُوا عَلَى الصَّيْنِ هُجُومًا قَاسِيًا - حَصَرَ الطَّلَابُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا عَلِيًّا - يَمْشِي الطِّفْلُ فَرِحًا.</p>   |   |  |                     |                      |
| ۲   | <p>ط</p> <p>الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمَلِ:</p> <p>(۳۳) اسْمُ الْفَاعِلِ</p> <p>(۳۴) اسْمُ الْمَفْعُولِ</p> <p>(۳۵) اسْمُ التَّفْضِيلِ</p> <p>(۳۶) اسْمُ الْمِبَالِغَةِ</p> <p>(۳۷) اسْمُ الْمَكَانِ</p> <p>رَمَيْتَنِي الْفَهَامَةُ تَسْتَعِلُّ فِي الْمَكْتَبَةِ.</p> <p>هَذَا الْكِتَابُ مَأخُودٌ عَنِ الْمَقَالَاتِ.</p> <p>لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ.</p> <p>كَانَ الْفَرَزْدَقُ مُجِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع)</p> <p>ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ: طَبَّخَ: پخت، آشپزی کرد</p> <p>(۳۸) الطَّبَّاحُ</p> <p>(۳۹) المَطْبُوحُ</p> <p>(۴۰) المَطْبَخُ</p> |   |  |                     |                      |



| پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه  |  | سؤالات امتحان درس: عربی، زبان قرآن ۳                |  | تعداد صفحه: ۳       | مدت امتحان: ۸۰ دقیقه |
|---|--|---|--|---------------------|----------------------|
| رشته: ریاضی فیزیک- علوم تجربی   |  | تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۶/۸                              |  | نام و نام خانوادگی: |                      |
| دانش‌آموزان روزانه بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت شهریور ماه ۱۴۰۱ |  | مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی<br>http://aee.medu.ir |  |                     |                      |
| ردیف  | دانش‌آموزان عزیز، لطفاً با دقت سؤالات را بخوانید و با آرامش و با خط خوانا به آنها پاسخ دهید.   |   |  |                     |                      |
| ۵   | <p>إِنْتَخِبْ كَلِمَةً صَحِيحَةً تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ: (الْكِسَاءُ - الْمَنَامُ - الْفَاخِرُ - الْحَنِيفُ - الْمُتَفَرِّجُ - الْخَلْمُ)</p> <p>(۴۱) قَدْ نَرَاهُ فِي النَّوْمِ.</p> <p>(۴۲) التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمَتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.</p> <p>(۴۳) النَّاسُ يَلْبُسُونَهُ وَ مَرَادُفُ كَلِمَةِ «لِبَاسٍ»</p> <p>(۴۴) الَّذِي يُشَجِّعُ فَرِيقَهُ الْفَائِزَ.</p>   |   |  |                     |                      |
| ک   | <p>عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:</p> <p>(۴۵) جَهَرَ الْفِرْزْدُقُ بِحُبِّهِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع).</p> <p>(۴۶) صَنَعَتْ وَعَاءً جَمِيلًا مِنَ الْخَشَبِ.</p>  |   |  |                     |                      |
| ل   | <p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:</p> <p>السَّمَكُ الْمَدْفُونُ يَعِيشُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ لِلخُرُوجِ مِنْ غُلَافِهِ. يَذْهَبُ الصِّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَاءِهِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ يَحْفَرُونَ التُّرَابَ الْجَافَّ لِصَيْدِهِ.</p> <p>(۴۷) مَتَى يَذْهَبُ الصِّيَادُونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَاءِ السَّمَكِ؟</p> <p>(۴۸) لِمَاذَا يَنْتَظِرُ السَّمَكُ نُزُولَ الْمَطَرِ؟</p> <p>(۴۹) مَاذَا يَحْفَرُ الصِّيَادُونَ؟</p> <p>(۵۰) أَيْنَ يَعِيشُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ؟</p> |   |  |                     |                      |
| م   | <p>عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ:</p> <p>«الْإِمَامُ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعْظَمِ»</p> <p>(۵۰) طَافَ:</p> <p>۱: فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / خَبْرٌ</p> <p>۲: فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / فَاعِلُهُ «الْإِمَامُ»</p> <p>(۵۱) الْأَعْظَمِ:</p> <p>۱: اسْمٌ تَفْضِيلِيٌّ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ وَ مُفْرَدُهَا الْأَعْظَمُ / مُضَافٌ إِلَيْهِ</p> <p>۲: اسْمٌ، جَمْعٌ، مَذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، / صِفَةٌ</p>  |   |  |                     |                      |
| ۲۰  | موفق و سربلند باشید  |   |  |                     |                      |



پاسخ نامه آزمون شهریور ماه ۱۴۰۱

الف

۱- گردش ص ۲۳

۲- ما را بی نیاز نمی کند ص ۳۴

۳- علاقمند شوند ص ۵۰

۴- نیرنگ (مکر، فریب) ص ۱۵ هر مورد ۰/۲۵

ب

۵- الحبيب = الضديق ص ۲۶ ۶- الخیر ≠ السوء ص ۸ هر مورد ۰/۲۵

ج

۷- الطينة ص ۱۱

۸- الکبير ص ۵۲ هر مورد ۰/۲۵

د

۹- خدا با موسی قطعاً سخن گفت. ص ۵۷ (۰/۵)

۱۰- هنگامی که حشره می افتد آن را زنده می بلعد. ص ۳۰ (۰/۵)

۱۱- زین العابدین (ع) سنگ را به آسانی مسح کرد (لمس کرد) ص ۵۰ (۰/۵)

۱۲- کتابی که آن را سریع مطالعه کردم (ورق زدم) در وجودم حقیقتاً تأثیر گذاشت. ص ۳۵ (۰/۷۵)

۱۳- هر غذایی که نام خدا بر آن برده نشود هیچ برکتی در آن نیست. ص ۱۲ (۰/۵)

۱۴- اگر فکری توانمند داشته باشی به وسیله آن می توانی آن چه را می خوانی بفهمی. ص ۳۴ (۰/۵)

۱۵- نزد خلفای بنی امیه در شام رفت و آن ها را ستود و به جایزه هایشان دست یافت. ص ۵۰ (۰/۷۵)

۱۶- پرنده ای وجود دارد (هست) که لانه اش را بالای قله ای دور از جانوران می سازد. ص ۴۵ (۰/۷۵)

۱۷- مادر نتوانست از کوه بالا برود زیرا پایش درد می کرد. ص ۲۰ (۰/۷۵)

۱۸- ابراهیم (ع) را آوردند و در آتش افکندند سپس خداوند او را از آن نجات داد. ص ۳ (۰/۷۵)

۱۹- هنگامی که حیوان درنده ای را می بیند وانمود می کند که بالش شکسته است. ص ۱۵ (۰/۷۵)

ه

۲۰- ۱ ص ۹

۲۱- ۲ ص ۳۰

۲۲- ۱ ص ۴۱ هر مورد ۰/۲۵

و

۲۳- برپا شد، ماند ص ۵۰

۲۴- تحصیل، نفرستاد ص ۳۶ هر مورد ۰/۲۵

ز

۲۵- یاری بجوید

۲: یاری می جویم

۳: یاری نجوید ص ۲۷

۲۶- ۱: ارزان نخواهد شد

۲: ارزان شده بود ص ۲۴ هر مورد ۰/۲۵

۲۷- ۱: تعمیر (تعمیر کردن)

۲: تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است)

۳: تعمیر می کردند ص ۲۵

ح

۲۸- فرحاً ص ۲۲

۲۹- علیاً

۳۰- الطلاب ص ۳۸ هر مورد ۰/۲۵

۳۲- نوعی ص ۶۱ هر مورد ۰/۲۵

۳۱- هجوماً

ط

الف) ۳۳- مُحَبَّأ ص ۵۰

۳۴- مأخوذ ص ۴۳

۳۵- أغنی ص ۸

۳۶- الفهامة ص ۴۲

۳۷- المكتبة ص ۴۲

ب: ۳۸- آشپز

۳۹- پخته شده

۴۰- آشپزخانه هر مورد ۰/۲۵

ی

۴۱- الخلم ص ۵۸

۴۲- الحنيف ص ۱۰

۴۳- الكساء ص ۶۴

۴۴- المتفرج ص ۲۳ هر مورد ۰/۲۵

ک

۴۵- فاعل، مضاف إليه ص ۵۲

۴۶- مفعول، مجرور بحرف جر ص ۴۲ هر مورد ۰/۲۵

۴۷- قبل نزول المطر ص ۶۳

۴۸- للخروج من غلافه

۴۹- التراب الجاف

۵۰- داخل حفرة صغيرة هر مورد ۰/۲۵

۵۱- ۱

۵۲- ۱ ص ۵۰ هر مورد ۰/۲۵

پاسخ نامه آزمون شهریور ماه ۱۴۰۰

الف

۱- سیرة: روش و کردار، سرگذشت

۲- خیام: چادرها

۳- يَنْصَفَحُ: ورق می زند، سریع مطالعه می کند.

۴- کبار: بزرگان هر مورد ۰/۲۵